

زندگی ایران جام جم

تکمیلی

قصه متین و جهانبخش

بچه‌های کوره بیشتران سواد دارند، مدرسه می‌روند اما مدرسه‌هایشان فرق می‌کند، بعضی‌ها می‌روند سمت قاسم‌آباد تهرآنچی، بعضی‌ها سمت محمودآباد و خیلی‌ها هم مثل مبینا و طاه‌ا و سارینا... اصلا اهل اینجا نیستند و مدرسه‌شان يك استان ديگر است؛ در استان خراسان رضوی و یکی از شهرهای تربت حیدریه، تربت جام و خواف، همان جاه‌ها که خیلی‌ها جز خشت زنی حرفه دیگری بلد نیستند و حالا با تعطیلی کوره‌های تربت راهی پایتخت شده‌اند. خانواده متین یکی از همین خانواده‌هاست، مهاجرانی از اکبرآباد تربت حیدریه. متین اما اینجا از خیلی از بچه‌ها سرشناس‌تر است؛ سال گذشته در بچبوحه جام‌جهانی، متین همان پسری بود که اسم علیرضا جهانبخش را پشت لباسش چسباند. عکسی که در فضای مجازی منتشر شد و جهانبخش را به کوره‌های خاوران رساند. آنقدر که پیراهن شماره ۱۸ خود را به او بدهد. پیراهنی که جهانبخش رویش نوشته بود؛ «تقدیم به متین عزیزم، با آرزوی آینده‌ای روشن!» این پیراهن البته الان دیگر پیش متین نیست. چرایش را که می‌پرسم می‌گوید: «اینجا امن نیست فرستادیم خانه‌عمه‌ام.»

متین هنوز آن دیدار را یادش نرفته: «علیرضا جهانبخش لباسش را داد به من، بعد هم گفت برایم تلبت می‌خرد، قول نداد اما گفت می‌خرد...»

آرزوی متین هم مثل بقیه بچه‌های کوره است، این‌که تلبت داشته باشد و البته او يك آرزوی دیگر هم دارد، این‌که خانه‌شان آب داشته باشد، چیزی که الان ندارد.



طراح:بیژن گورانی

جدول شماره ۵۴۶۳

جدول عادی

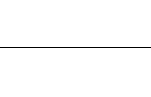
افقی: (۱) واحد اندازه‌گیری سطح- جاده اصلی و بزرگ (۲) اهل قبور- جادوگر قوم بنی‌اسرائیل- دشواری در کار (۳) رستگاری- ترکیب فلز با کسینژن - ایالتی در آمریکای (۴) حرف ندا- مجموعه داستانی از سیامک گلشیری- ناخالص ۵ - پارچه کهنه- خواب خوش- بیرونی‌ترین بخش بدن جانوران (۶) بچا آوردن- محصول صادراتی کوبا- شگرد (۷) شاعر سرشناس ادبیات شیلی- نوعی تغییر شیمیایی در ترکیب‌های آلی- بالاپوش قدیمی مردان(۸) شهرستانی در استان قزوین- تفاوت بین دو چیز- یار همایون(۹) علف خشک- سازی زهی- غذای ساده(۱۰) هشتمین ماه سیرانی- مرداب شمالی- نوعی شیشه رنگی(۱۱) مجسم کردن- سمبل- رسیدن به مقصود(۱۲) قهرمان جنگ‌تروا- مرد سال‌خورده- شخص (۱۳) سریع‌ترین نوع شنا- شهری در آلمان- بلندمرتبه (۱۴) سال‌آوری- پرنده مهاجر- امتحان (۱۵) خط- بی‌بهره و بی‌نصیب.

عمودی: (۱) آهو- شهری در ژاپن (۲) سامان بخشی- از آلات موسیقی- سیاهرگ (۳) جایز- از نام‌های دوزخ در خشننگی (۴) مامان- زاپاس- ریشه دار(۵) برهنه- عمق- الهه عشق و زیبایی- قلم انگلیسی (۶) از عیوب شعر- آگهی تلویزیونی- رهاورد بیماری (۷) نوعی انگور بی‌دانه- ثروتمند شدن- ولگردی (۸) برنامه‌ای با محوریت موضوعات روان‌شناسی در شبکه سلامت سیما (۹) نوعی پیراهن زنانه- سوگند- رفوزه (۱۰) نام چند تن از پادشاهان اشکانی- پول بسیار



وزارتخانه گردشگری پول و اعتبار می‌آورد

طاه‌ا وزارتخانه گردشگری، میراث فرهنگی و صنایع‌دستی تشکیل شده؛ آرام و بی‌هیاهو، اما پرشتاب. وزیرش هم برای رای اعتماد توسط رئیس‌جمهور به مجلس معرفی شده، علی‌اصغر مونسان که پیش از این رئیس سازمان میراث فرهنگی بود و فعلا سرپرست وزارتخانه. هنوز اما یخ اظهارنظرها درباره



جمعه گذشته برای بچه‌های کوره‌های صداقت، کوره نکویی و کوره خاله‌قمر

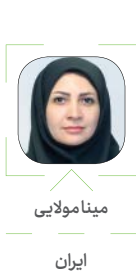
عکس: چاوش هماوندی جام جم

برگردند ولایت‌شان. ولایتی که فریده می‌گوید چند سال است آب ندارد و همه زمین‌هایش خشک شده: «آنجا مردهایمان بیکار هستند، هیچ کاری نیست، هیچ منبع درآمدی نداریم، آب به روی ما قطع می‌شود. تابستان‌ها که روزی دوسه ساعت بیشتر آب نداریم، دیگر کشاورزی هم مانده، کسی هم توی روستا نمانده برای زندگی، همه رفته‌اند. آنهایی هم که مانده‌اند توان کار در کوره را ندارند.»



گزارش جام جم از همراهی بچه‌های جهادی با کودکان کارگران فصلی کوره‌پزخانه‌های قاسم‌آباد تهرآنچی

دنیای رنگی روی زمین خاکی



ایران

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

از راه دوری آمده‌اند

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

وزارت‌شدن سازمان میراث فرهنگی باز نشده و واکنش‌های مثبت و منفی روی خروجی رسانه‌ها رفته. محمداسماعیل سعیدی، عضو کمیسیون اصل ۹۰ و نماینده تبریز، آذرشهر و اسکو اما از معدود افرادی است که در این باره نظر داده و گفته: واقعیت این است با بودجه‌ای که در اختیار سازمان میراث فرهنگی

بود، نمی‌توان انتظار داشت این حجم از وظایفی که به‌عهده آن سازمان بود در چارچوب‌های مدنظر محقق شود. قطعاً کمبود اعتبارات ضربه سختی به عملکرد می‌زند، اما پیش‌بینی می‌کنیم با تشکیل وزارتخانه، شرایط برای بودجه و اعتبارات بهتر شود،/ جام جم

از راه دوری آمده‌اند

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

برای این‌که بچه‌ها و بزرگ‌ترها يك حلقه بزرگ بزنند، دست همدیگر را بگیرند و شعر بخوانند و روی زمین خاکی بچه‌های داوطلب می‌رسند شروع می‌شود؛ زمین خاکی بزرگ کنار کوره نکویی می‌شود اولین نقطه برای بازی.

